

بخش اول : مناقشه ها و درگیری های موجود در سطح جامعه

(۱) مناقشه جنسیتی :

الف) درگیری زنان با حاکمیت سیاسی : مثل رفتن بر سر ورزشگاه استادیوم فوتبال ، حجاب، سبک زندگی، ازدواج کودکان (کودک همسری) و...

ب) درگیری زنان با مردان : مثل درگیری بر سر قدرت ، اختیارات ، حضور در خانه ، تقسیم کار خانه
۲) مناقشه قومی : حاصل توسعه نامتوازن مرکز و پیرامون کشور می باشد، بدین صورت که یک مرکزی (تهران_ پایتخت) مورد توجه قرار گرفته و اکثر بودجه را به خود اختصاص داده و شهر و استان های حاشیه ای از توسعه بهره ای نبرده اند.

۳) مناقشه مذهبی : اکثر استان های حاشیه ای و مرزی کشور، استان های سنی هستند. علی رغم تظاهر نظام بر عدم درگیری این دو طیف، ولی شاهد اختلاف هایی بین این دو گرایش مسلمان وجود دارد که متأسفانه این مناقشه مذهبی با مناقشه قومی نیز تداخل پیدا کرده.

۴) مناقشه درون قومیت ها : درگیری ها و اختلاف نظر های بین افراد مسن و جوان تحصیل کرده در درون خود قومیت ها حاکی از این نوع مناقشه می باشد.

۵) مناقشه فقیر_ غنی : عمدتاً محصول ناکارآمدی حکمرانی می باشد.

دو علت را میتوان ذکر کرد : الف) رشد اقتصادی اندک در طول ۴۰ سال

ب) برنامه ریزی نامتوازن توسعه : به باز تولید فقر در بخش های حاشیه ای کشور کمک کرده است، همچنین در بخش های جنوبی شهرها و همچنین در مورد شهرستان های یک استان و مرکز استان

۶) مناقشه سنتی : یک نسل متولد دهه ۷۰ و ۸۰ هستند که طرز فکر بسیار متفاوتی با نسل های

قبل تر دارند که ریشه اش برمیگردد به دهه ۳۰ و ۴۰ و حتی ۱۰ و ۲۰. افرادی در حکومت هستند هستند که متولد ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ هستند و این شکاف ادراکی را هیچ جوره نمیتوان پر کرد. چون متولدین دهه ۷۰ و ۸۰ به سبک زندگی، انگار های دینی و سیاسی طرز دیگری فکر و عمل می کنند.

(۷) مناقشه منطقه ای

(۸) مناقشه ذهنی

(۹) مناقشه سبک زندگی : الف) سبک زندگی آزاد در محدوده فرهنگ ملی (اکثریت)

ب) سبک زندگی سنتی تر و ایرنولوژیک تر (اقلیت)

نتیجه گیری بخش اول

(۱) این مناقشات از آن جهت اهمیت پیدا میکند که جریان های سیایی می توانند روی شکاف های حاصل از این مناقشات سرمایه گذاری کنند و گاه سواستفاده.

مثلا به جریان سیاسی پوپولیستی مثل دولت نهم و دهم، محمود احمدی نژاد روی شکاف حاصل از مناقشه فقیر_غنی سرمایه گذاری کرد یا مثلا یک نیروی اقتدارگرا و نظامی می تواند روی شکاف قومی_ مذهبی_ منطقه ای سرمایه گذاری کند.

(۲) این مناقشات سرمایه اجتماعی را فرسایش میدهد.

(۳) سطح تنش در جامعه بالا می رود و دغدغه امنیت برای نظام رشد می کند.

بخش دوم : بحران دستاوردها

در طول این چهل سال، ما یک سری دستاوردها داشته ایم که متاسفانه با بحران روبرو شده اند که عبارت اند از : (۱) یک سری دستاوردها کسب کرده ایم مثل فناوری هسته ای، نانو تکنولوژی، بیو تکنولوژی و... که این دستاوردها را مردم به لحاظ سیاسی و غیرت ملی حمایت می کنند اما بعد از

یک مدت که تاثیر آن را بر زندگی خود احساس نکنند با خود به این فکر فرو میروند که این دستاورد ها به چه درد ما خورده است ؟

۲) یک سری دستاورد ها نیز هستند که در حوزه ساخت و ساز قرار می گیرند مثل خودرو سازی ، سد سازی ، جاده سازی و... که این ها نیز کافی است مردم با نمونه های خارجی بلکه با کره و ژاپن و ترکیه و... مقایسه کنند آن گاه متوجه خواهند شد که پیشرفت آن چنانی نداشته ایم.

۳) دستاوردهای سیاسی : مثل ایستادگی در برابر سلطه مدع هایی در جهان اسلام، دفاع از مظلومین

۴) یک سری دستاورد ها هم هستند که ناپایدار بوده اند مثل آموزش رایگان که هنوز ۹ تا ۱۴ میلیون بی سواد داریم ، خود کفایی محصولات کشاورزی (آب نابود شده و خاک فرسوده)

بخش سوم : تصمیماتی که گرفته ایم و تصمیماتی که نگرفته ایم

اساسا ما سه تصمیم بزرگ و سخت بعد از انقلاب گرفته ایم :

۱) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (پایان جنگ ایران و عراق)

۲) هدفمندی یارانه ها

۳) برجام

تصمیماتی که باید می گرفتیم و نگرفتیم :

۱) اصلاح نظام بانکی ۲) انضباط مالی دولت ۳) مقابله با فساد ۴) شرکت های خصوصی

۵) غیر شفاف و غیر عملیاتی بودن بودجه دولت ۶) شفاف سازی نهاد های غیراقتصادی و مذهبی

انقلابی در اقتصاد ۷) اصلاحات در سیاست خارجی به قصد کمک کردن تنش با نظام بین الملل

۸) متوقف کردن تخریب محیط زیستی ۹) شفاف سازی حقوق اقوام و اقلیت ها

۱۰) رویکرد نظام به مسئله سبک زندگی ها ۱۱) جهت گیری در مقابل سرمایه خارجی

۱۲) عدم تصمیم در برابر اصلاحات قضایی ۱۳) تصمیم درباره چابک سازی بودجه دولت و

کاهش هزینه های جاری ۱۴) اصلاح وضعیت صندوق های بازنشستگی

نتیجه بخش دوم و سوم

یعنی ما در طول این ۴۰ سال یک تصمیم پایدار و بدون بحران نگرفتیم که در برابرش ادعایی داشته باشیم و بگوئیم که ما این تصمیم را گرفته ایم.

راهکارها : تقویت نظام اجتماعی ، تقویت نظام حاکمیت با مردم و همچنین طرح مسئله و مشکل از طرف نظام سیاسی و حکومت با مردم